

نقد رمان‌های «واحه‌ی غروب» و «عشق در تبعید»

بهاء طاهر از منظر ترامنتیت

دکتر شیرزاد طایفی* / آمنه عرفانی فرد**

تاریخ دریافت: ۲۰۲۰/۰۲/۲۹

تاریخ پذیرش: ۲۰۲۰/۰۸/۱۷

چکیده

بررسی روابط میان‌متنی، یکی از موضوعات بسیار مهم و رایج در دهه‌های اخیر است که مورد توجه بسیاری از پژوهشگران واقع شده است. ژرار ژنت با توجه به نظریه‌ی بینامتنیت ژولیا کریستوا در سال ۱۹۶۰، نظریه‌ی ترامنتیت را مطرح کرد. این نظریه به پرسش درباره‌ی چگونگی رابطه‌ی یک متن با متن‌های دیگر و به‌طور کلی با غیر خودش می‌پردازد و به پنج بخش بینامتنیت، سرمنتیت، فرامنتیت، پیرامنتیت و زیرمنتیت تقسیم می‌شود. از آن‌جا که متن ادبی یکی از بهترین بسترها برای دریافت شرایط تاریخی و احساسات برانگیزنده یا منشأ فکری اعمال است، با تکیه بر مطالعات کتابخانه‌ای و بهره‌گیری از روش تحلیل کیفی بر اساس اسناد تاریخی و گزارش‌های رسانه‌ای به نقد ترامنتی رمان‌های «واحه‌ی غروب» و «عشق در تبعید» بهاء طاهر پرداخته و جریان‌های برون‌متنی آن‌ها را نشان داده و در نهایت به این نتیجه رسیده‌ایم که با توجه به موقعیت اجتماعی و سیاسی دوران مؤلف، می‌توان به شناخت بهتری از عصر نویسنده و

* دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران (ایران) (sh_tayefi@yahoo.com)

** دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران (ایران)

(a.erfanifard@yahoo.com)

نقد رمان‌های «واحه‌ی غروب» و «عشق در تبعید» بهاء طاهر از منظر ترامنتیت

انشعابات فکری او دست یافت. این روابط پنهان و آشکار میان آثار و حتی آثار با محیط اجتماع خود، دلیل اصلی مراجعه به آن‌ها، درخشش و تأثیرگذاری آن‌ها است.

کلیدواژه‌ها: ژرار ژنت، ترامنتیت، بینامتنیت، بهاء طاهر، واحه‌ی غروب، عشق در تبعید.

۱. مبانی نظری

هر اثری بر روی جهان یک متن بنا شده است و آشنایی با جهان هر متنی، زمینه‌ی مناسبی برای گشایش مشکلات و فهم همه‌جانبه‌ی اثر فراهم می‌کند. درک متون ادبی، نیازمند مطالعه‌ی بیشتر و پژوهش‌های دقیق‌تر است. فرض در نقد ترامنتی آثار نیز، دست‌یابی به چنین هدفی است.

یکی از مقوله‌هایی که تأثیر به‌سزایی در شکل‌گیری ترامنتیت داشته، مقوله‌ی بینامتنیت^۱ بوده است. این نظریه نخستین بار از سوی ژولیا کریستوا^۲ مطرح شد. از نظر او، بینامتنیت ترکیبی از عناصر شکل‌دهنده‌ی متن است؛ عناصری که گاه شناسایی حضور آن‌ها و نشان دادن آن به راحتی امکان‌پذیر نیست اما باعث تحرک، پویایی و چندصدایی در متن می‌شود (نامور مطلق، ۱۳۸۶: ۸۵). رمان چند صدایی گویای این موضوع است که همه‌ی گفتمان‌ها تأویل‌هایی از جهان بوده، به دیگر گفتمان‌ها پاسخ داده و آن‌ها را به خود می‌خوانند (آلن، ۱۳۹۲: ۴۲).

^۱ Intertextuality

^۲ Julia Kristeva

ژرار ژنت نظریه‌ی ترامنتیت را در سال ۱۹۶۰ مطرح کرد. در واقع ترامنتیت شکل پیشرفته‌تر و قانون‌مندتر نظریه‌ی بینامنتیت بود. این نظریه با گسترش دادن دامنه‌ی مطالعاتی کریستوا، شامل هر نوع رابطه‌ی میان یک متن با متن دیگر می‌شد؛ بر این اساس، تحول و تکامل متن‌ها، برآیند درک درست از تأثیرپذیری‌ها و ویژگی‌های آثار پیشین است. زمانی که این نظریه مطرح شد، ژنت در پی آن بود که نشان دهد همه‌ی متون می‌توانند به شکلی نظام‌مند تفسیر، درک و دریافت شوند. او در کتاب *الواح بازنوشتنی*، ترامنتیت را به پنج دسته تقسیم می‌کند و بر آن است که رابطه‌ی یک اثر را با غیر خود شناسایی و دسته‌بندی کند (نامور مطلق، ۱۳۸۸: ۹۸). این پنج مؤلفه به دلیل روابط متقابل و همپوشانی‌های احتمالی و غیرقابل اجتنابی که با یکدیگر دارند، کاملاً از هم جدا و منقطع نیستند. در اینجا، بینامنتیت^۱ یکی از انواع ترامنتیت به شمار می‌آید. اقسام دیگر ترامنتیت عبارتند از: سرمنتیت^۲، پیرامنتیت^۳، فرامنتیت^۴ و زبرمنتیت^۵ که هر یک شامل تقسیم‌بندی‌های دیگری نیز می‌شود (همان، ۱۳۸۶: ۸۳). ناگفته نماند که این قسم از نظریات و رویکردهای نقد ادبی، در آراء ادیبان گذشته نیز وجود داشته است و آن را سرقت‌های ادبی نامیده‌اند. این مبحث شباهت‌های بسیاری به موضوع ترامنتیت و اقسام آن دارد.

۲. پرسش پژوهش

پرسش اصلی در این تحقیق به ماهیت آثار پیش‌رو می‌پردازد؛ بدین معنا که:
۱-۲. آثار معرفی شده تا چه سطحی، قابلیت بررسی از منظر ترامنتیت را دارند؟

¹ Intertextualite

² Arcitextualite

³ Paratextualite

⁴ Metatextualite

⁵ Hypertextualite

نقد رمان‌های «واحه‌ی غروب» و «عشق در تبعید» بهاء طاهر از منظر ترامنتیت

۲-۲. غیر از متن چه موضوعات دیگری نیز، می‌تواند تأثیرات اجتماعی، سیاسی و... اثر را در مخاطب به جای بگذارد؟

۲-۳. با کمک نقد ترامنتیت، به چه سطحی از درک و دریافت نسبت به متن می‌توان رسید؟

۳. فرضیه‌ی پژوهش

همان‌گونه که ژرار ژنت^۱ اصطلاحات خاص، دسته‌بندی و طبقه‌بندی خاص خود را از روابط میان یک متن با غیر خود، به پنج دسته تقسیم کرده و همه‌ی آن‌ها را در ترامنتیت گرد آورده است، می‌توان به توصیف و تشریح ترامنتیت در آثار «واحه‌ی غروب» و «عشق در تبعید» از بهاء طاهر پرداخت و به چگونگی روابط میان‌متنی و برون‌متنی پاسخ داد. از آن‌جا که تم اصلی این آثار را می‌توان جدا از روایت پراکنده و گاه تخیلی آن واقعی دانست، باید گفت هیچ اثری نمی‌تواند بدون جریان‌های برون‌متنی خود دیده شود یا حتی مورد توجه و خوانش قرار گیرد و دلیل اصلی مراجعه به آن‌ها نیز این روابط پنهان و آشکار میان آثار و حتی آثار با محیط اجتماع خود است که سبب درخشش و تأثیرگذاری آن می‌شود.

۴. پیشینه‌ی پژوهش

نقد ترامنتی در ایران سابقه‌ی چندان طولانی ندارد. با ترجمه‌ی آثار کریستوا و ژنت درباره‌ی ترامنتیت^۲ آثاری مرتبط با آن صورت گرفته که می‌توان به مقالاتی چون «ترامنتیت، مطالعه‌ی روابط یک متن با دیگر متن‌ها» (۱۳۸۶)، «ارتباط متن‌ها بر اساس هم‌حضور: بینامنتیت نزد ژرار ژنت» (۱۳۸۸) از بهمن

^۱ Gerrard Genette

^۲ Transtextualite

نامور مطلق و کتاب «ساختار و تأویل متن» از بابک احمدی (۱۳۹۳) اشاره کرد. همچنین درباره‌ی رمان‌های واحه‌ی غروب و عشق در تبعید از بهاء طاهر، مقاله‌ای با عنوان «ویژگی‌های فنی و موضوعی در آثار بهاء طاهر» (۱۳۹۰) از جواد اصغری به چاپ رسیده که به‌طور کلی به ویژگی‌های سبکی در رمان‌های بهاء طاهر پرداخته است؛ اما به جهت رویکرد این دو اثر به مسائل اجتماعی، تاریخی، سیاسی، ادبی و... اهمیت بررسی ترامتنی در آن‌ها که به تازگی مورد پژوهش قرار می‌گیرد، نمایان می‌شود.

بهاء طاهر در سال ۱۹۳۵ در استان جیزه‌ی مصر به دنیا آمد. سال ۱۹۵۶ از گروه تاریخ دانشکده‌ی ادبیات دانشگاه قاهره دانش‌آموخته شد و سال ۱۹۷۳ از همان دانشگاه دیپلم پژوهش‌های عالی در روزنامه‌نگاری و دیپلم پژوهش‌های عالی تاریخ معاصر دریافت کرد. تا سال ۱۹۷۵ در شبکه‌ی دوم رادیوی مصر (رادیو فرهنگ) به کار ترجمه، کارگردانی نمایش و گویندگی پرداخت. از سال ۱۹۸۱ تا ۱۹۹۵ در ژنو به عنوان مترجم برای سازمان ملل متحد کار می‌کرد. سال ۱۹۹۵ به مصر بازگشت و تاکنون در مصر زندگی می‌کند (طاهر، ۱۳۹۳: ۷).

زمان وقوع داستان «واحه‌ی غروب» دو دهه‌ی آخر قرن نوزدهم است. مصر در اشغال انگلستان است و دولتی دست‌نشانده بر آن حکومت می‌کند. محمود عبدالظاهر، کلانتری است که پس از شکست قیام احمد عرابی برای مأموریت به واحه‌ی سیوه ملزم می‌شود. در این سفر اشتیاق همسر کلانتر، برای دیدن معبد آمون و جست‌وجو برای آرامگاه اسکندر، حلقه‌ی اتصال روایات متعدد رمان است. رمان «عشق در تبعید» نیز، به ماجرای نقض حقوق بشر در کشورهای مختلفی چون شیلی، اندونزی و... اختصاص دارد، که مهم‌ترین بخش کتاب به جنگ و کشتار در فلسطین و حملات اسرائیل به اردوگاه

نقد رمان‌های «واحه‌ی غروب» و «عشق در تبعید» بهاء طاهر از منظر ترامنتیت

بازماندگان آن‌ها در صبرا و شتیلا در کشور لبنان و انعکاس آن در رسانه‌های خبری متعدد در اروپا می‌پردازد. داستان از زبان روزنامه‌نگار مصری روایت می‌گردد که به کشوری در اروپا تبعید می‌شود.

۵. نقد مؤلفه‌های ترامنتیت در رمان‌های «واحه‌ی غروب» و «عشق در تبعید»

بها طاهر

۱-۵. بینامتنیت

ژنت بر اساس نگرش ساختارگرایانه، به روابط ساختاری دو متن متمرکز می‌شود (نامور مطلق، ۱۳۸۸: ۹۸). در حقیقت در نظرگاه ژنت، بینامتنیت شیوه‌ی خوانش جدیدی را مطرح می‌کند که خطی بودن متن را از بین می‌برد. هر ارجاع بینامتنی در اثر، فراخوانی حضور یک متن است؛ متن شفاهی یا مکتوبی که ساختاری فراموش‌شده دارد (آلن، ۱۳۹۲: ۱۶۴). در معنایی توسّعی‌تر، هرگروهی از پدیده‌ها و حتی کل خود هستی را می‌توان نوعی متن قلمداد کرد (مکاریک، ۱۳۸۵: ۲۷۱). باید گفت، فرایند خوانش بینامتنی به صورت هم‌زمان تنها در متونی به کار گرفته می‌شوند که دارای انشعابات در فضای معنایی متن باشند. بهاء طاهر با ترکیب انواع رخدادهای سیاسی و اجتماعی، و وقایع تاریخی و ادبی، یک بینامتن آفریده است. برخورد او با فجایع بشری، نشان می‌دهد که کاملاً با محیط خود در ارتباط بوده و از داده‌های اطراف و متن‌های پیشین خود در نگارش آثارش بسیار بهره گرفته است. ژرار ژنت بینامتنیت را به سه گروه صریح، غیر صریح و ضمنی تقسیم می‌کند.

۱-۱-۵. بینامتنیت صریح: در بینامتنیت صریح، می‌توان آشکارا حضور متن دیگری را در متن جدید شاهد بود. «یکی از وجوه قابل تمییز آن در اثر، نقل

قول است که صریح‌ترین و لفظی‌ترین نوع بینامتنیت صریح است» (همان: ۸۸). یکی از بینامتن‌های آشکار کتاب واحه‌ی غروب، مربوط به اشاره‌های مستقیم نویسنده به سرنوشت سپاه کمبوجیه در مصر است. «سپاه بزرگی از ایرانیان که در زمان‌های قدیم برای جنگ به واحه می‌رفتند اما پیش از رویارویی با دشمن از بیابان شکست خوردند و برای همیشه زیر شن‌ها زنده به گور شدند» (طاهر، ۱۳۹۳: ۱۶).

حضور روایتی از حمله‌ی سپاه کمبوجیه به مصر، یکی از موارد تاریخ‌مندی شبکه‌ی بینامتنی اثر است که در آن تاریخ به عنوان شبکه‌ی گسترده‌ای از متون سوژه‌مند موجودیت دارد. درباره‌ی افسانه لشکر ناپدید شده‌ی کمبوجیه در کتاب تاریخ ایران باستان آمده است که کمبوجیه برای فتح ثروت افسانه‌ای مصر، لشکر خود را آماده کرد. وقتی به تب رسید، پنجاه هزار نفر از لشکر خود را جدا کرد تا برای تسخیر آمون به غرب بروند. در مسیر شهر آزیس، تندبادی از طرف جنوب وزیدن گرفت و تمام آن لشکری که در تب از سپاه کمبوجیه جدا شد، زیر ماسه مدفون گردید (پیرنیا، ۱۳۸۸، ج ۱: ۴۲۴-۴۲۳)؛ به این ترتیب، به اعتبار این اسناد به جا مانده، بینامتنی صریح و آشکار در پیوند با تاریخ شکل می‌گیرد.

یکی از مهم‌ترین وزنه‌های اصلی داستان، حکایت اسکندر و آرامگاه مفقود شده‌ی اوست. روایت پلوتارک درباره‌ی روزهای پایانی اسکندر، حاکی از روانه شدن او به سمت بابل است. روزی تبی بر او عارض شد و در سی‌ام ماه دسیوس در گذشت (همان، ج ۲: ۱۵۸۲-۱۵۸۱). برادر اسکندر جنازه را به طرف مصر برد. بطلمیوس که با قشون خود پیشاپیش کبکبه حرکت می‌کرد، صلاح دانست که نعش را به معبد آمون نبرند، بلکه آن را در شهری که اسکندر

نقد رمان‌های «واحه‌ی غروب» و «عشق در تبعید» بهاء طاهر از منظر ترامنتیت

بنا کرده، دفن کنند (همان، ج ۳: ۱۶۳۶-۱۶۳۷)؛ اما معبدی که اسکندر را در آن دفن کردند، با مرور زمان از بین رفته، معلوم نیست چه سرنوشتی برای این قبر پیش آمده است. نویسنده با اشاره به تلاش کاوش‌گران و باستان‌شناسان برای کشف این آرامگاه، به این موضوع می‌پردازد:

«[بطلمیوس] وقتی پایتخت را از جنوب به اسکندریه منتقل کرد، جنازه‌ی اسکندر را هم به آنجا برد و بین مناره‌های خارق‌العاده و کتابخانه‌ای آباد که پیشتر ساخته بود، آرامگاهی برای او بنا کرد. [...] اما پس از شش قرن طولانی، ناگهان آرامگاه و جنازه و نشانه و یادش هم به‌طور کلی ناپدید شدند» (طاهر، ۱۳۹۳: ۳۰۱).

در این کتاب، مخاطب میان روایت واقع‌گرایانه‌ای که در اوایل قرن نوزدهم می‌گذرد و روایت معاصر که قادر به وارد کردن مجموعه‌ای از ارجاعات بینامتنی به جهان مصر و سیوه بوده- ارجاعاتی که مختل‌کننده‌ی واقع‌گرایی تاریخی این رمان هستند- در نوسان است. ارجاع به ایده‌های نظری مدرن از جمله ایده‌های ژرار ژنت به همراه نکاتی در توضیح وجوه جامعه‌ی مصری و ارجاع به ایده‌های به لحاظ تاریخی متأخر، به معنی آن است که خواننده پیوسته به حوزه‌ی برون‌متنی، به دنیایی بیرون از رمان و به متون دیگر و بازنمایی‌های دیگر جهان بازنمایی شده در خود متن ارجاع داده می‌شود.

کتاب عشق در تبعید نیز، اثری سراسر دارای همپوشانی‌های بینامتنی با جهان واقع در قرن بیستم است. بینامتن‌های این اثر به حضور آشکار کشتار صبرا و شتیلا در سال ۱۹۸۲ در متن باز می‌گردد؛ به این ترتیب، با به تصویر کشیدن وضعیت فلسطین، لبنان و کشورهای عربی، سیاست‌های اسرائیل و مهم‌ترین مسائل جهانی در کشورهای اروپایی و همچنین مصر در انقلاب جمال

عبدالناصر و کودتای انور سادات، بینامتنی آشکار با جهان بیرون از متن و تاریخ معاصر دارد؛ از این رو به برخی از مهم‌ترین آن‌ها اشاره خواهیم کرد:

«آن روزها نوشته‌های ساطع الحصری را می‌خواندم و مانند عبدالناصر بر این باور بودم که کشور بزرگ ما به زودی تشکیل می‌شود. در سالن بزرگی که هر دو [راوی و ابراهیم، یکی از دوستانش در مصر] کار می‌کردیم، این جمله‌ی مشهور ناصر را که در مراسم روز وحدت با سوریه گفته بود، بالای سرم آویزان کرده بودم. «کشور بزرگ حمایت می‌کند نه تهدید، تباه نمی‌کند بلکه در امان می‌دارد.» خوشنویس روزنامه آن را با خط کوفی زیبایی برایم نوشته بود و زیر نقشه‌ی وطن بزرگ عربی جایش داده بودم» (طاهر، ۱۳۹۴: ۳۴).

در توضیح این مطلب باید افزود، از بحران سوئز به بعد، ناصر مظهر نوعی تفکر سیاسی در جهان شد که آن را ناصریسم نامیده‌اند. مهم‌ترین مؤلفه‌های ناصریسم، ملی‌گرایی عربی، سوسیالیسم و جدایی دین از سیاست است (اوستل، ۱۳۹۴: ۲۶۷). پیشوای اندیشه‌ی یگانگی ملت عرب و جدایی دین از سیاست، ابوخلدون ساطع الحصری (۱۸۸۰-۱۹۶۹) است که روشنفکران عرب او را بنیادگذار نظریه‌ی قومیت عرب می‌دانند. او پس از پی‌ریزی این امر در سوریه و مصر، مدیر امور فرهنگی اتحادیه‌ی عرب و ریاست مؤسسه‌ی مطالعات عالی عرب در قاهره بود (عنایت، ۱۳۶۳: ۲۵۵-۲۵۴). بهاء طاهر تحولات دوران ناصر و سپس انور سادات را ناکام و به زیان سرنوشت مردم مصر می‌داند. او که هم‌زمان با انقلاب ناصری از سوی افسران آزاد ارتش مصر، وارد دانشگاه شده و درگیر آرمان‌گرایی و شور و هیجان انقلابی بوده است، نسبت به تغییرات کشورش بسیار حساس می‌شود.

یکی دیگر از اشاره‌های صریح بینامتنی به حضور متون شفاهی و مکتوب در

نقد رمان‌های «واحه‌ی غروب» و «عشق در تبعید» بهاء طاهر از منظر ترامنتیت

اثر، شهادت یک پرستار نروژی در وصف بمباران اردوگاه رشیدیه و صیدا در جنوب لبنان است. این شهادت که یک شهادت کاملاً واقعی است، زمانی رخ داده که نویسنده در سازمان ملل کار می‌کرده است:

«صبح روز هفتم ژوئن وقتی هواپیماها پیدایشان شد و بمباران را شروع کردند، ما شروع کردیم به آماده کردن پناهگاهی در طبقه‌ی زیرزمین درمانگاه [...] اتفاقی را که دو روز پیش در اردوگاه رشیدیه افتاده بود، شنیده بودم [...] بمباران بی‌هیچ فاصله‌ای و پیش از آن‌که ما حتی بتوانیم زخم‌های قربانیان بمباران اول را پانسمان کنیم، ادامه داشت» (طاهر، ۱۳۹۴: ۱۷۶).

لوسین گلدمن معتقد است رمان سرگذشت جست‌وجویی تباه است (گلدمن، ۱۳۷۱: ۲۰). عشق در تبعید، سرگذشت تلاش نافرجام نویسنده را در افشای حقیقت و ارزش‌های راستین انسانی در جهانی تباه و بی‌مقصد به نمایش می‌گذارد. اندکی بعد از جنایات اسرائیل در اردوگاه رشیدیه و صیدا، واقعه‌ی وحشتناک صبرا و شتیلا رخ داد. این مسأله در دوران نخست‌وزیری آرل شارون در لبنان با این هدف به وقوع پیوست که به متحدان مسیحی مارونی اسرائیل در لبنان کمک کند به قدرت برسند و با اسرائیل پیمان صلح امضاء کنند. در شانزدهم و هفدهم سپتامبر سال ۱۹۸۲ بیش از ۲۰۰۰ فلسطینی پس از حمله‌ی نیروهای میلیشیای مسیحی که با هماهنگی با ارتش اسرائیل صورت گرفته بود، در کمپ‌های صبرا و شتیلا کشته شدند (جعفری، ۱۳۹۴). در پی سر و صدای زیادی که این جنایت در جهان به پا کرد، اسرائیل وادار شد کمیته‌ای برای واکنش‌های خود تشکیل دهد؛ به این ترتیب، رسانه‌ها و روزنامه‌هایی که در انحصار سازمان‌های اسرائیلی بوده‌اند، منکر دخالت‌های اسرائیل در این قتل عام شدند. نویسنده در این باره می‌نویسد:

«اسرائیل اول می گفت از آنچه در صبرا و شتیلا روی داده خبر نداشته است. اما خود روزنامه‌های عبری هم این دلیل کودکانه را به سخره گرفتند. بعد نخست وزیر (بگین) ناچار شد بگوید «بعضی‌ها بعضی‌های دیگر را می‌کشند و اسرائیلی‌ها را متهم می‌کنند!» [...] [پس از آن شارون] گفت او این کار را انجام داده چون به خاطر خصلت‌های انسان‌دوستانه نمی‌توانسته ارتش اسرائیل را وارد اردوگاه‌ها کند! [...] اما گفت که هرگز دستور قتل عام نداده و چنین چیزی را نشنیده است» (طاهر، ۱۳۹۴: ۳۰۶).

چنان‌که شاهدیم، بسیاری از مطالبی که در کتاب مطرح شده، آشکارا با بخش عمده‌ای از حقایق و وقایع قرن بیستم پیوند خورده است. کریستوا معتقد است که بینامتنیت عمدتاً شیوه‌ای برای ثبت شدن تاریخ در ماست: ما، دو متن، دو سرنوشت، دو روان (کریستوا، ۱۳۸۹: ۱۶۴).

۵-۱-۲. **بینامتنیت پنهان:** بینامتنیت غیر صریح و پنهان شده به دلایل فرا ادبی، مرجع بینامتن خود را پنهان می‌کند (نامور مطلق، ۱۳۸۶: ۸۸). بینامتنیت پنهان، حضور پنهان متنی در متون دیگر است؛ بر این اساس، از طریق مضمون و محتوا می‌توان به رابطه‌ی بین متون پی برد. این بینامتن‌ها در کتاب واحه‌ی غروب بسیار محدود است. برای نمونه می‌توان به زمانی اشاره کرد که همسر کلانتر از آشنایی خود با محمود در مصر می‌گوید. از این توصیف، می‌توان با فرهنگ و جامعه‌ای آشنا شد که در آن مردان همواره به زنان به عنوان جنس دوم و با نگاهی ابزاری می‌نگریستند:

«همیشه او را همان‌طور که اولین بار دیدم، می‌بینم. روی پل الذهبیه در سفر اسوان [...] در واقع با همه‌ی مردانی که در آن‌جا شناخته بودم، فرق داشت. آن‌ها همیشه با من مانند یک بیگانه، مانند یک انگلیسی در کشوری که در اشغال

نقد رمان‌های «واحه‌ی غروب» و «عشق در تبعید» بهاء طاهر از منظر ترامنتیت

انگلیس بود، حرف می‌زدند. در حالی که نگاه سرشار از تمنای شهوت مثل اشک گداها از چشمانشان جاری بود. وقتی به او نزدیک شدم، تریوش روی سرش مثل تاج فرعون برایم جلوه کرد» (طاهر، ۱۳۹۳: ۲۶).

مردسالاری، نامی است برای نظام و ساختاری که از راه نهادهای اجتماعی، سیاسی و اقتصادی خود، زنان را زیر سلطه دارد. زنان مصر در دهه‌های گذشته حضوری در اجتماع نداشته، ولی بیشتر مورد سوء استفاده‌های مردان قرار گرفته‌اند؛ اما به اذعان خود نویسنده، این امر مربوط به قرن پیشین است و اکنون همه چیز تغییر کرده و فرهنگ مردم گسترش یافته است (همان: ۳۳۷). بینامتن‌های پنهان در کتاب عشق در تبعید نیز، بسیار اندک و قابل چشم‌پوشی است؛ چرا که هدف این کتاب انتشار واقعیت‌ها بر اساس مستندات از وقایع دهه‌ی ۸۰ و ۹۰ میلادی بوده است؛ از این رو، تمامی مطالبی که ذکر می‌شود، برگرفته از حوادث و اوضاع سیاسی اروپا، خاورمیانه، آفریقا و آمریکای جنوبی است.

۵-۱-۳. **بینامتنیت ضمنی:** این نوع بینامتن تنها زمانی درک خواهد شد که خواننده یا مخاطب با کنایات، اشارات و تلمیحاتی که در کتاب آمده است، آشنایی داشته، قادر به شناسایی مرجع آن باشد. در این نوع بینامتن، باید به دنبال سرنخ‌ها رفت و با کمک آدرس‌هایی که داده شده، به مرجع اصلی دست یافت. این بینامتن‌ها نیز در کتاب واحه‌ی غروب غیر از چند مورد، چندانی ندارد. یکی از بینامتن‌های ضمنی نویسنده، استفاده از المان‌هایی است که در آثار پژوهشی مرتبط از آن‌ها یاد شده است. به عنوان مثال، کلاتر در لابه‌لای صحبت‌های خود به پله‌های منزلش در واحه اشاره می‌کند که از آجر ساخته شده بود و هر آن امکان تخریب آن وجود داشت:

«سرانجام صدای بلندی از بالای پله‌ها آمد: آخر یک روز گردن یکی در حال پایین آمدن از این پله‌ها شکسته خواهد شد [...] [کاترین] پاهایش را روی جاهایی که آجرهایش شکسته بود و زیر گام‌ها متلاشی می‌شد، نمی‌گذاشت. شنیده‌ام آجرهای زردی که اینجا در ساختن خانه‌ها به کار می‌رود، آمیخته به نوعی نمک است که گرما آن را آب می‌کند. به همین دلیل با گذشت زمان آجر متلاشی می‌شود» (همان: ۱۰۹-۱۰۸).

بهاء طاهر در حاشیه‌ی رمان واحه‌ی غروب از این اتفاق یاد نموده، اضافه می‌کند که سنگ‌های معبد در ساختن پله‌های جدید کلاتری و در مرمت منزل مسکونی کلاتر واحه استفاده شده است. این اشاره می‌تواند گریزی به ماجرای ترمیم خانه‌ی کلاتر در قرن نوزدهم باشد. از دیگر اشاره‌های ضمنی نویسنده، سرزمینی است که امروزه پس از گذشت قرن‌ها از زیر آب سر بر آورده است. وقتی فیونا خواهر کاترین به واحه می‌آید، با آگاه شدن از ماجرای آرامگاه اسکندر، داستان کاخی را روایت می‌کند که افراد آن در زیر آب زندگی می‌کنند (همان: ۲۳۱). به زیر آب رفتن این کاخ، تلنگری به خواننده برای مراجعه به افسانه‌ی شهر اسکندریه می‌زند. یکی از گمانه‌های داستان به زیر آب رفتن معبد اسکندر است. شهر افسانه‌ای اسکندریه به وسیله‌ی اسکندر زمانی بنا شد که در حال لشکرکشی به مصر به قصد فتح تمام جهان در آن زمان بود. زمانی که از کف دریا در بندر اسکندریه لایروبی به عمل آمد، معلوم شد که شهری بسیار بزرگ و پیشرفته هزار سال قبل از میلاد مسیح در این مکان وجود داشته و به دلیل معبد آمون، دارای اهمیت بی‌شماری بوده است (سزاوار، ۱۳۹۵)؛ بر این اساس، می‌توان چنین حدس زد که امکان دارد آرامگاه اسکندر نیز با گذشت زمان درست مانند این شهر در زیر آب مدفون شده باشد.

نقد رمان‌های «واحه‌ی غروب» و «عشق در تبعید» بهاء طاهر از منظر ترامنتیت

بینامتن‌های ضمنی در اثر عشق در تبعید چندان فراوان نیستند؛ اما برای مثال، اشاره‌ی نویسنده به شعری از ملک‌الشعراى مصر، یکی از نمودهای بینامتن‌های ضمنی در اثر است؛ «آیا این گفته‌ی ملک‌الشعرا را هم یادت می‌آید؟ مرگ دلایل دشمنی‌مان را از بین برده است...» (طاهر، ۱۳۹۴: ۳۲). ملک‌الشعراى مصر، همان حلمی سالم است که نخستین مجموعه شعر او با عنوان عزیز من در خون خاک شد، در سال ۱۹۷۴ منتشر و با استقبال بسیاری از دوستداران شعر عرب مواجه شد. ناگفته نماند که حلمی سالم از اعضای حزب لیبرال سوسیالیست مصر بود.

۲-۵. سرمنتیت

جنبه‌های همگانی یا متعالی متن، شامل اشکال گوناگون سخن، شیوه‌های مختلف بیان، ژانر ادبی و هر آن چیزی است که یک اثر را در رده‌ی خاصی قرار می‌دهد و سبب می‌شود تا از آثار دیگر متمایز باشد. «ژنت روابط طولی میان یک اثر و گونه‌ای را که اثر به آن تعلق دارد، سرمنتیت می‌نامد» (نامور مطلق، ۱۳۸۶: ۹۴-۹۳). در رمان چندآوایی واحه‌ی غروب، شخصیت‌ها و حوادث از تاریخ وام گرفته شده‌اند؛ از این رو، این کتاب یک رمان تاریخی چندآوایی است که توانسته است با حفظ جریان رئالیستی روایت، خود را در رده‌ی رمان‌های رئالیستی نیز قرار دهد.

رمان اجتماعی در مصر در دهه‌ی ۱۹۵۰ به بعد پس از کنفرانس باندونگ در ۱۹۵۵ و حمله‌ی اسرائیل، بریتانیا و فرانسه به این کشور و روابط پر تنش بین گروه‌های مارکسیست و رژیم نصاری زودتر به ظهور رسید (اوستل، ۱۳۹۴: ۲۹۴). رمان عشق در تبعید نیز، محصول قوانین اجتماعی است که در آن، پدیده‌های روحی و روانی راوی و سایر شخصیت‌های رمان بر اساس علیت

اجتماعی و شرایط محیطی مورد بررسی قرار می‌گیرد؛ به این ترتیب، این کتاب یک رمان مدرن روان‌شناختی چندآوایی است که سیر تحولات ذهنی راوی را در هدایت جریان داستان بر عهده دارد. از سوی دیگر، بهاء طاهر با تعهد و التزامی که در قبال دریافت ارزش‌های انسانی و اجتماعی دارد، نسبت به وضعیت موجود عکس‌العمل نشان می‌دهد؛ بر این اساس، این اثر یک رمان واقع‌گرای متعهد اجتماعی و انتقادی است.

۵-۳. فرامتنیت

رابطه‌ی توضیحی و تفسیری یا انتقادی یک متن درباره‌ی متن دیگر فرامتنیت نامیده می‌شود (نامور مطلق، ۱۳۸۶: ۹۳-۹۲). تأویل و تفسیر متنی که از گذشته به جای مانده، در حقیقت بیانگر مفهوم تلاش برای از بین بردن فاصله‌ی گذشته و اکنون است (پورحسن، ۱۳۸۴: ۴۱۲). در رمان واحه‌ی غروب، شاهد برداشت و دریافت نویسنده از متن جهان واقع هستیم. برای مثال، یکی از مهم‌ترین عناصری که در داستان حضور مستمر دارد، خیانت است؛ از حمله‌ی انگلیس و ارتش و پلیس تا دوستان و نزدیکان. خیانت که عنصر اصلی داستان است، پس از جریان کودتا و حوادث پس از آن، بیش از پیش افکار کلانتر را درگیر می‌کند:

«همیشه درباره‌ی خیانت از خودم سؤال می‌کردم. خیلی وقت‌ها از خود می‌پرسیدم چرا کارگزاران و بزرگانی که همه چیز دارند، خیانت می‌کنند؟ و چرا همیشه کوچکترها تاوان این خیانت را پس می‌دهند؟ در جنگ کشته می‌شوند و در شکست زندانی. اما بزرگان همچنان بزرگند و آزاد. از خود می‌پرسیدم پس کوچکترها چرا خیانت می‌کنند؟ چرا ستوان یوسف خنفس به ارتش کشورش در تل کبیر خیانت کرد و اطلاعات در اختیار انگلیسی‌ها گذاشت تا کشورش را

نقد رمان‌های «واحه‌ی غروب» و «عشق در تبعید» بهاء طاهر از منظر ترامنتیت

فریب دهند و شبانه به آن یورش بیاورند» (طاهر، ۱۳۹۳: ۶۲).

داستان‌های بهاء طاهر و نویسندگان هم‌نسل او در دهه‌ی شصت مصر، نشان از تناقض‌هایی دارد که در آن انسان‌ها و جامعه‌ی آن‌ها همواره به دلایل مختلف تاریخی دارای وجوه مختلف بوده، فاقد وحدت هستند؛ از این رو انسان‌ها در برابر سرنوشت، آرمان‌گرایی را کنار نهاده، به انقلاب متمایل می‌شوند. در یک برهه‌ی حساس، ناگهان تغییر مسیر می‌دهند و برای حفظ موقعیت خود، عقب‌نشینی می‌کنند. در واقع نسلی که بهاء طاهر در آن رشد کرده، سراسر سرخوردگی و تناقض است و قادر به انتخاب و تأیید هیچ جریانی نیست.

در رمان عشق در تبعید، نویسنده گاه دیدگاه‌های خود را نسبت به برخی از رویدادهایی که در اثر از آن‌ها یاد شده، بیان می‌کند. بیان این دیدگاه‌ها گاه با برخی ارزیابی‌هایی همراه است که می‌توان گفت به نوعی به تفسیر وقایع جهان متنی خود می‌پردازد. برای مثال، عمده‌ترین موضوعی که نویسنده در این رمان به آن اشاره می‌کند، همان موضوع خیانت است؛ خیانت سران عرب به آرمان‌های ملی و عربی امت عرب، پشت کردن کشورهای عربی همسایه‌ی فلسطین به مردم و آوارگان فلسطینی، بی‌اعتنایی دولت‌های اروپایی به فاجعه‌ی بشری صبرا و شتیلا و عدم همراهی و هم‌دردی سفارت‌خانه‌های دولت‌های عرب با این موضوع، خودخواهی و ریاکاری و منفعت‌طلبی جمعیت‌های بشر دوستانه‌ی اروپا در این فاجعه. او در بخش‌های مختلف کتاب، این نارضایتی را از دست روی دست گذاشتن اعراب و ترس و عدم تصمیم درست، هر بار در قالب یکی از موضوعات ابراز می‌دارد؛ «شب دیدار سادات از بیت‌المقدس ما چه کار کردیم؟ فقط در قهوه‌خانه‌ها جمع شدیم و با هم بحث کردیم و فریاد زدیم و هق‌هق گریه کردیم. گمان بردیم آنچه را بر عهده‌مان بوده، انجام داده‌ایم. این

کارها حقیقتاً چه ارتباطی به انقلاب داشتند؟» (همان، ۱۳۹۴: ۶۲).

در توضیح این مطلب باید افزود، پس از قیام اعراب فلسطین بر ضد سیاست انگلستان و صهیونیست در سال ۱۹۳۶، مسلمانان عرب با هدف تشکیل حکومت متحد عرب با خودمختاری دولت‌های عضو در امور داخلی، انجمنی به نام «نجاهه» در لبنان به پا کردند. پس از کنفرانس یگانگی عرب در سوریه در سال ۱۹۳۷، همبستگی ملت‌های عرب با مردم فلسطین به صورتی سازمان‌یافته-تر درآمد (عنایت، ۱۳۶۲: ۲۴۰)؛ اما انور سادات با امضای «قرارداد کمپ دیوید» با اسرائیل صلح کرد و آن را به رسمیت شناخت (اوستل، ۱۳۹۴: ۲۶۸). ناتوانی اتحادیه‌ی عرب در عقب‌نشینی مصر، نشانی از سقوط اتحادیه‌ی عربی بود. اعراب حتی به حمله‌ی اسرائیل به سازمان آزادی‌بخش فلسطین نیز واکنشی نشان ندادند.

در حقیقت، برای شناخت یک متن سیاسی باید به‌طور دقیق و با تکیه بر بستر اجتماعی-تاریخی خاستگاه آن متن، و همچنین با کمک کلمات و معانی مندرج در متن، به بررسی آن پرداخت (سلیمی، ۱۳۸۹: ۷۲). زیربنای موضوعاتی که در این بخش مطرح شد، روایت تاریخ معاصر عرب و یهود است؛ از این رو می‌توان آن‌ها را هم در بخش بینامتن‌های آشکار جای داد و هم در فرامتنیت؛ چرا که هم گویای حضور وقایع معاصر در متن و هم تفسیری از اوضاع ملت‌های عرب در منطقه است.

۴-۵. پیرامتنیت

ژان ژنت معتقد است یک متن واحد با کمک متون پیرامون آن، با جهان بیرون و ذهن مخاطب ارتباط برقرار می‌کند (نامور مطلق، ۱۳۸۶: ۹۰). این پیرامتن

نقد رمان‌های «واحه‌ی غروب» و «عشق در تبعید» بهاء طاهر از منظر ترامنتیبت

شامل یک درون‌متن است که عناصری چون عناوین اصلی، عناوین فصل‌ها، درآمد‌ها و پی‌نوشت‌ها را در بر می‌گیرد و نیز یک برون‌متن که عناصر بیرون از متن مورد نظر همچون مصاحبه‌ها، نقد و نظرهای منتقدان، آگهی‌های تبلیغاتی و دیگر موضوعات مربوط به مؤلف یا مدون‌کننده‌ی اثر را مورد بررسی قرار می‌دهد (آلن، ۱۳۹۲: ۱۵۰)؛ بنابراین هر رخدادی بر پایه‌ی پیرامتن‌هایی که در دسترس نویسنده هستند، قابلیت نگارش به خود می‌گیرد و از طریق همین پیرامتن‌ها به مخاطب در درک و دریافت آن کمک می‌کند.

پیرامتن‌هایی که رمان واحه‌ی غروب و عشق در تبعید را در بر گرفته‌اند، بسیار متنوع هستند. پیرامتن‌های درونی، توضیحاتی را درباره‌ی متن ارائه می‌دهند که گاهی بدون این توضیحات نمی‌توان به دریافت متن دست یافت. ناشر کتاب واحه‌ی غروب، نشر نیلوفر است که در طرح و شکل ظاهری کتاب سهم به‌سزایی دارد. او مجسمه‌ی نوزایی مصر اثر محمود مختار در سال ۱۹۲۰ میلادی را برای تصویر روی جلد کتاب انتخاب و به چاپ رسانده است. تصویر این کتاب به خوبی نشان می‌دهد که محتوای کتاب دالّ بر رمانی تاریخی است و مربوط به تمدن مصر. روی جلد کتاب، اثر برنده‌ی اولین دوره‌ی جایزه‌ی بوکر عربی ۲۰۰۸ معرفی می‌شود. درباره‌ی عنوان واحه غروب نیز در این اثر آمده است، مصریان باستان معتقدند که جهان جاودان و جایگاه قیامت در غرب است؛ به این دلیل آن‌ها واحه‌ی سیوه را آخرین منزلگاه مغرب‌زمین می‌دانستند. افق غربی همان جاودانگی است (طاهر، ۱۳۹۳: ۲۶۰). طاهر زمانی که در سازمان ملل در ژنو به عنوان مترجم کار می‌کرده، با همکار سوئسی خود، ستیوکا آناستاسوا ازدواج می‌کند. او این کتاب را به خانم آناستاسوا، پیشکش کرده است.

مترجم این اثر، رحیم فروغی برای نشان دادن سندیت متن در آغاز کتاب، اشاره‌ای به گذشته‌ی بینامتنی اثر با واقعیتی می‌کند که دو قرن پیش رخ داده است؛ حضور کلانتری در واحه در آخرین سال‌های قرن نوزدهم (همان: ۶). در صفحه‌ی بعد، تیتراژ درشتی با عنوان «باز آمده از روزن/ درباره‌ی نویسنده» دیده می‌شود. مترجم تاریخ و گذشته‌ی بهاء طاهر را در ابتدای رمان می‌گنجاند و از این طریق اطلاعاتی به خواننده می‌دهد؛ اطلاعاتی از قبیل تاریخ و محل تولد، دوران کودکی، فعالیت‌های بزرگسالی، آثاری که به چاپ رسانده و جوایزی که به دست آورده است. (همان: ۸ و ۷) در بخش بعدی کتاب، ذیل عنوانی دیگر با نام «توشه‌ای از تاریخ؛ درباره‌ی رمان» مترجم اشاره می‌کند که تجربه‌های مستقیم و غیرمستقیم انباشته در وجود بهاء طاهر پس از بازگشت از تبعید، با هم به گفت‌وگو می‌نشینند تا نتیجه‌ی بیرونی آن رمانی باشد که در آن صداهای متفاوت آشکارا شنیده و نقد می‌شوند (همان: ۸).

او علاوه بر موضوع نگاه‌های متفاوت به عظمت و شکوه بر باد رفته، گذرا به موضوعات متفاوت و متعدد دیگری نیز اشاره می‌کند که در متن رمان درباره‌ی آن صحبت می‌شود؛ توضیحاتی درباره‌ی حضور مرگ از ابتدا تا انتهای رمان، خیانت و ریشه‌های آن، دیدگاه‌های شرقی و غربی در عرصه‌های مختلف، نقد آداب و باورهای وحشتناک خرافی و پشتوانه‌ی تاریخی و مطالعاتی واحه‌ی غروب. «در حاشیه‌ی رمان» نیز، عنوان دیگری که توضیحاتی درباره‌ی چگونگی ایده‌ی آفرینش اثر می‌دهد و کمک می‌کند تا مستند بودن رمان برای خواننده مسجل شود (همان: ۳۳۹-۳۳۶)؛ به این ترتیب، متن با افزودن این بخش از کتاب، به‌طور اساسی دگرگون می‌شود و جنبه‌های آشکار و پنهان خود را بروز می‌دهد.

نقد رمان‌های «واحه‌ی غروب» و «عشق در تبعید» بهاء طاهر از منظر ترامنتیت

کارکرد اساسی زندگی‌نگارانه در متن، تشویق خواننده به خواندن متن و آموختن نحوه‌ی خواندن درست متن به اوست (آلن، ۱۳۹۲: ۱۵۴). در بخش پایانی کتاب، مترجم متنی با عنوان «همه چیز از سخت‌جانی مورچه‌های اسبی شروع شد»، اضافه می‌کند که زندگی‌نامه‌ی طاهر به قلم خود اوست؛ این نوشته متعلق به مقدمه‌ی کتاب *خاله صفیه‌ام و صومعه* در سال ۱۹۹۱ است (طاهر، ۱۳۹۳: ۳۴۱). با این توضیح، مخاطب شمای دیگری از نویسنده در ذهن دارد که آستانه‌ی ورود به دنیای ذهن و اندیشه‌ی او است.

ناشر کتاب عشق در تبعید، نگاه است. طرح روی جلد کتاب، تصویر زنی را نشان می‌دهد که از پنجره‌ی قطار سرش را به عقب برگردانده، به آنچه از سر گذرانده، می‌نگرد. این تصویر، خیال را به سمتی سوق می‌دهد که در آن‌جا گذشته‌ای رها شده و به ناچار راه سفر در پیش است. روی جلد به صورت برجسته، اثر برنده‌ی جایزه‌ی آلزیاتور ایتالیا در سال ۲۰۰۸ معرفی می‌شود و روی جلد پایانی کتاب نیز، بریده‌ای از صفحه‌ی ۸ درباره‌ی نبوغ نویسنده در ۱۹۹۵ در پیش‌بینی آینده‌ی ویران در خاورمیانه درج شده که به پیش‌انگاشت‌های مخاطب جهت داده، در برانگیختن او برای انتخاب و خوانش اثر، نقش به‌سزایی دارد. عنوان رمان عشق در تبعید نیز، حاوی نوعی استعاره‌ی مفهومی است که از پیرامتن عنوان به متن اصلی وارد شده، مصداق آن در مجموعه‌ی داستان دیده می‌شود. عشق در تبعید، سرنوشت تعلقات به جا مانده‌ی نویسنده در کشوری است که تبعید همه چیز را از او گرفته است. این تبعید، تبعید انسان به جهانی پر از درد و رنج و خیانت است که آدمی را در هر سرزمینی که باشد، بی‌قرار و آشفته می‌کند و این یعنی عشق و آگاهی.

بهاء طاهر در عشق در تبعید، روزنامه‌نگاری را دست‌مایه‌ی داستان خود قرار

داده است؛ از این رو مترجم در ابتدای کتاب، از رهگذر آشنایی با این گذشته‌ی تاریخی، افقی جدید را ترسیم می‌کند و برای جبران لطمات روحی ناشی از دریافت حقیقت از این روزنامه‌نگار تبعیدی، اثر خود را تقدیم می‌کند «به روزنامه‌نگارانی که در واپسین لحظه‌های شب در اتاق‌های تحریریه‌ی خودشان، تیرهایشان تیر می‌خورد» (طاهر، ۱۳۹۴: ۴).

در صفحه‌ی بعد، مترجم به خودزندگی‌نامه‌نوشتی اشاره می‌کند که بهاء طاهر در کتاب واحه‌ی غروب به چاپ رسانده است. «درباره‌ی رمان» عنوان دیگری است که مترجم درباره‌ی درک و دریافتی که از متن داشته، نوشته است؛ عناصری چون تصویر دردناک انسان و جهان، مسائل جهانی و برخورد اندیشه، مذهب و قدرت، خشونت بی‌پایان، حقوق بشر، مسائل گوناگون روزنامه‌نگاری، تبعید و مهاجرت (همان: ۸-۶). با متنی که از قلم مترجم در این بخش از کتاب به چاپ رسیده است، ذهنیت مخاطب نسبت به متن و موضوع داستان شکل خواهد گرفت.

پیرامن‌های بیرونی به صورت ناپیوسته و غیرمستقیم با متن اصلی مرتبط هستند. این پیرامن‌ها، امکان ارتباط و حتی تبلیغ یا نقد متن را فراهم می‌کنند. در حقیقت، همین جنبه‌ی نقد اثر موجب تمایز پیرامن بیرونی و درونی می‌شود.

نقدهای متعددی درباره‌ی کتاب واحه‌ی غروب نوشته شده که در این جا به برخی از آنها اشاره می‌کنیم؛ برای مثال، نخستین نمونه‌ی این نقدها در کشورهای عربی، مجموعه مقالاتی تحت عنوان *أوراق من الرماد و الجمر، أوراق أخرى من الرماد و الجمر، من أوراق الرفض و القبول و نسق معتم و مصابيح قليلة* است که فاروق عبدالقادر درباره‌ی آثار بهاء طاهر به چاپ رسانده است

نقد رمان‌های «واحه‌ی غروب» و «عشق در تبعید» بهاء طاهر از منظر ترامنتیست

(اصغری، ۱۳۹۰: ۲۸). یکی دیگر از نقد و بررسی‌های مربوط به این رمان، با نشست و همکاری رحیم فروغی مترجم فارسی اثر صورت گرفته است؛ در این نقد و بررسی، بلقیس سلیمانی واحه‌ی غروب را رمانی شیرین و خواندنی ارزیابی کرد و در این باره گفت: «در این اثر دو عنصر وجود دارد که آن را از سطح رمانی عادی بر می‌کشد: یکی حضور تاریخ و تحولات اجتماعی در مصر است و دیگری، وجود نوعی اندیشه‌ی فلسفی (مرگان‌اندیشی) در آن» (فروغی، طهماسبی و سلیمانی، ۱۳۹۳: ۹۱). درباره‌ی رمان عشق در تبعید نیز، درست مانند واحه‌ی غروب بررسی‌های متعددی در نشست‌های نقد و بررسی صورت گرفته است. برای مثال، یکی از این گفت‌وگوها با رحیم فروغی، مترجم این کتاب است که به اثر و ماهیت آن اشاره می‌کند:

«بهاء طاهر ده سال قبل از یازده سپتامبر مشغول نوشتن این رمان بود [...] غرب برای ادامه‌ی حیات خودش میدان جنگ جدیدش را به خاورمیانه می‌کشد. چون در اینجا به دلیل تنوع گسترده‌ی قومی، ملی، زبانی، مذهبی و... پتانسیل‌های زیادی برای درگیری وجود دارد. بهاء طاهر به فراست این را دریافته و از نشانه‌های بسیار اندکی که شاید آن زمان وجود داشته، مثل جنگ ایران و عراق و نقش غرب در این میان برای حفظ موازنه، توانسته نقشه‌ی بلندمدت را حدس بزند» (حیدر قزوینی، ۱۳۹۴: ۱۰).

مقاله‌ها و یادداشت‌های زیادی درباره‌ی واحه‌ی غروب و عشق در تبعید به زبان عربی و فارسی نوشته شده و گفت‌وگوها و بررسی‌های بی‌شماری در روزنامه‌ی شرق و سایت‌های گوناگون منتشر شده که افق‌های جدید در شناخت و بازان‌دیشی آثار طاهر و دیگر آثار هم‌رده‌ی آن‌ها در جهان عرب را فراهم می‌آورد.

۵-۵. زیرمتنیت

در زیرمتنیت نیز، تأثیرات گسترده‌تری چون تأثیر و الهام‌بخشی کلی مورد نظر است (محسنی‌نیا، ۱۳۹۳: ۴۱۸). این رابطه بر اساس تأثیر یک متن از متن دیگر بنا شده است نه حضور آن. در زیرمتنیت، متن ب (زیرمتن) از متن الف (زیرمتن) تأثیر گرفته، مفهوم و مضامین آن دو متن نیز بسیار شبیه به هم، اما با کمی تغییر و دگرگونی همراه است. معنا و مفهوم آثار زیرمتنی، وابسته به اطلاعات خواننده از آثار و متون زیرمتنی است (همان: ۴۲۲). این برگرفتنی در دو گونه‌ی همانگونی و تراگونی قابل بررسی هستند.

بیشتر متون ادبی که نوشته شده‌اند، حاصل نگرش‌های افرادی به متون قبلی هستند. واحه‌ی غروب نیز، بر اساس این نگرش، معنا و مفهوم خود را در زمینه‌ی اجتماعی خاص خود آفریده است. بخشی از روایت واحه‌ی غروب بر اساس ماجرای واقعی شکل گرفته و رمان در مرز میان تاریخ و ادبیات قرار دارد. در این کتاب، اصل روایت بر پایه‌ی واقعه‌ای مستند است که در اواخر قرن نوزدهم در مصر روی داده، اما چگونگی این اتفاق، ساخته‌ی ذهن خیال-پرداز نویسنده است. موضوعاتی چون ماجرای کلانتر محمود عزمی و رویداد سال ۱۸۹۷ در معبد ام عبیده و نیز ماجرای اسکندر و نگارش حال و هوای سیوه در قرن نوزدهم و سنت‌های این منطقه و نیز جنگ داخلی و شیوه‌ی برخورد با بیوگان، از کتاب *واحه‌ی سیوه* از احمد فخری الهام گرفته شده است (طاهر، ۱۳۹۳: ۳۳۷). در تصویری که رمان از اسکندر ارائه می‌کند، از چند کتاب تاریخی استفاده شده که مهم‌ترین آن‌ها *زندگی اسکندر* نوشته‌ی کورتیس، مورخ رومانیایی است که به جنبه‌های انسانی و حال و هوای ذهنی اسکندر می‌پردازد. همچنین کتاب *خاطرات اسکندر* کبیر نوشته‌ی نسطور ماتساس هم

نقد رمان‌های «واحه‌ی غروب» و «عشق در تبعید» بهاء طاهر از منظر ترامنتیت

که زندگی‌نامه‌ی تخیلی اسکندر است، یکی از مراجع نویسنده در نگارش این بخش از روایت رمان است (همان: ۳۳۸)؛ اما صاحب نظریه‌ی وجود آرامگاه در واحه‌ی سیوه، یک زن پژوهشگر یونانی به نام لیانا سوفالتزی بود که در سال ۱۹۸۹ شروع به حفاری در واحه کرد. او ماجرای اکتشافات خود را در کتابی به نام *آرامگاه اسکندر در واحه‌ی سیوه* نوشت (همان: ۳۳۹). ماجرای کاترین و جست‌وجوی او در واحه به دنبال آرامگاه اسکندر، با تأثیر و الهام از اقدامات لیانا سوفالتزی نوشته شده و یک زبرمتن از نوع تراگونگی را به وجود آورده است. آثاری که در زمینه‌ی اتفاقات انقلاب عربیه مورد استفاده‌ی نویسنده قرار گرفته‌اند، کتاب‌های *انقلاب عربیه و اشغال انگلیسی‌ها* نوشته‌ی عبدالرحمان رافعی و *تاریخ سری اشغال مصر توسط انگلیس* تألیف آلفرد بلنت هستند (همان). این بخش نیز با تغییر سبک و الگوی متن پیشین خود و استفاده از آن در قالب رمان و اثر ادبی، نوعی ترانسپوزیسون به شمار می‌آید که ذیل تراگونگی جای می‌گیرد.

کتاب *عشق در تبعید* نیز، برگرفته از زیرمتنی تاریخی و سیاسی است که در قالب رمان به نمایش درآمده است. حضور نویسنده در سازمان ملل در ژنو، سبب تعامل بیشتر او با بسیاری از مسائل و مشکلات جهانی، از جمله رفتار ظالمانه با مهاجران در جوامع اروپایی، مسأله‌ی فلسطین، جنگ داخلی لبنان و کشتار صبرا و شتیلا شده و حاصل آن اندیشه‌ای انتقادی نسبت به سیاست‌های عربی و ناتوانی آن‌ها در حل مسائل خاورمیانه بوده است. برای مثال، در فصل ششم، شهادت پرستار نروژی درباره‌ی حوادث عین‌الجوه، یک شهادت واقعی است که بهاء طاهر در سازمان ملل با این پرستار داشته است، یا در فصل پایانی، شهادت رالف، روزنامه‌نگار آمریکایی درباره‌ی صبرا و شتیلا نیز یک

شهادت واقعی است که در این زمینه نیز، نام و رویدادها واقعی هستند. این بخش از محتوای کتاب، تقلیدی از واقعیت به شمار می‌آید که در قالب رمان در کنار هم گذاشته شده و با نگاه ادبی مورد بررسی قرار گرفته است.

رابطه‌ی آثار ادبی با حوادث تاریخی، چنان است که آثار بزرگ پیش یا پس از رویدادی که به آن وابسته‌اند، قرار دارند و نویسندگان یا وقایع بعدی را پیشگویی می‌کند، یا بازمانده‌ی آخرین موج‌های حوادث را می‌گیرد و آثار خود را پدید می‌آورد. بهاء طاهر در پرداخت این اثر، به‌طور جدی به مسأله‌ی جهانی می‌نگرد و در هر شرایطی از متن که به او اجازه دهد، به هجو زیرمتن‌های خود می‌پردازد (نجفی، ۱۳۸۹: ۲۵۶). او با استفاده از بینامتن‌های تاریخی و ادبی و با آزادی عمل بسیار، به بازنویسی تاریخ می‌پردازد؛ گاه شخصیت‌ها و حوادثی ابداع می‌شوند، گاه لحن و سبک بینامتن‌ها به صورت تقلیدی از واقعیت منعکس شده و گاه به هنگام مشاهده‌ی شکافی در این مستندات تاریخی، روابطی خودساخته مطرح می‌گردد.

۶. نتیجه‌گیری

ارتباط میان متن‌ها که از گذشته‌های دور وجود داشته است، کمک می‌کند تا بتوان به سرچشمه‌های آثار دست یافت. در این میان، نویسندگانی موفق هستند که در عین جامع بودن مطالعات آن‌ها، محل تغذیه‌ی ذهن و اندیشه‌شان زندگی باشد. برش‌های ناگهانی از ملاحظات سیاسی، دیدگاه‌های روان‌شناختی، ارجاعات تاریخی و وقایع سیاسی و اجتماعی، رمان‌های «واحه‌ی غروب» و «عشق در تبعید» را به بررسی جوانب متن خود از منظر نقد ترامنتیتی می‌کشاند. ما با استفاده از شیوه‌ی تحلیل و بررسی مطالعات ترامنتیتی که به تولید، دریافت و معنای فرهنگی همه‌ی انواع نهادها، شیوه‌ها و دستاوردها می‌پردازد،

نقد رمان‌های «واحه‌ی غروب» و «عشق در تبعید» بهاء طاهر از منظر ترامنتیت

رمان‌های واحه‌ی غروب و عشق در تبعید را بررسی کردیم. بینامتن‌های شفاهی و مکتوب در پرداخت این آثار برای غنی‌تر کردن متن و استفاده از پرداخت داستانی این رویدادها، تغییرات لحن، سبک، فضای انتقال این مطالب و ترکیب با تخیل، مؤلفه‌های تکرار شونده‌ی متن در فرآیند تأثیرگذاری خود هستند. بر این اساس، تحلیل این آثار از نظر ساختار و معنا نشان می‌دهد که استفاده از زیرمتن‌های تاریخی، اجتماعی و فرهنگی دوران برای پرورش زیرمتن‌های خود، مهم‌ترین عنصر شناخت آثار هستند. این موضوع نشان از عدم تک‌بعدی بودن متون تاریخی، اجتماعی و سیاسی واحه‌ی غروب و عشق در تبعید است، و وحدت بی‌چون و چرای متن را مختل می‌کند.

منابع و مأخذ

- ۱- آلن، گراهام (۱۳۹۲). بینامتنیت. ترجمه‌ی پیام یزدانجو. تهران: مرکز.
- ۲- اصغری، جواد (۱۳۸۷). «رمان چندآوایی در ادبیات معاصر عرب». فصلنامه‌ی علمی-پژوهشی دانشکده‌ی ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران، ش ۱۸۸، دوره‌ی ۵۹، صص ۶۳-۸۲.
- ۳- _____ (۱۳۹۰). «ویژگی‌های فنی و موضوعی داستان در آثار بهاء طاهر». مجله‌ی زبان و ادبیات عربی دانشکده‌ی ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد، دوره‌ی ۳، ش ۴/۱۶۶، صص ۴۶-۲۵.
- ۴- اوستل، رابین (۱۳۹۴). ادبیات مدرن در خاور نزدیک و خاورمیانه ۱۸۵۰-۱۹۷۰. ترجمه‌ی احمد تمیم‌داری و عطیه‌سادات شجاعی. چ اول. تهران: بایا.
- ۵- پورحسن، قاسم (۱۳۸۴). هرمونوتیک تطبیقی: بررسی همانندی‌های فلسفه تأویل در اسلام و غرب. تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- ۶- پیرنیا (مشیرالدوله)، حسن (۱۳۸۸). تاریخ ایران باستان (تاریخ مفصل ایران قدیم)، ۳ جلدی. تهران: نگاه.

- ۷- جعفری، مژگان (۱۳۹۴). «شهر کشتار؛ صبرا و شتیلا، گفت‌وگوی امی گودمن با نوام چامسکی، آوی شلایم، رشید خالدی و آلن سیگل». ترجمان علوم انسانی، آخرین بازبینی در ۲۵ شهریور ۱۳۹۵ از <http://tarjomaan.com/vdcf.edeiw6dmegiaw.html>
- ۸- حیدر قزوینی، پیام (۱۳۹۴). «امر اجتماعی از رمان ما خط خورد؛ گفت‌وگو با رحیم فروغی به مناسبت انتشار «عشق در تبعید» بهاء طاهر». روزنامه‌ی شرق، ش ۲۳۵۰، ۲۹ تیر، ص ۱۰.
- ۹- سلیمی، حسین (۱۳۸۹). **هرمنوتیک و شناخت روابط جهانی**. تهران: رخداد نو.
- ۱۰- طاهر، بهاء (۱۳۹۳). **واحه‌ی غروب**. ترجمه‌ی رحیم فروغی. تهران: نیلوفر.
- ۱۱- _____ (۱۳۹۴). **عشق در تبعید**. ترجمه‌ی رحیم فروغی. تهران: نگاه.
- ۱۲- عنایت، حمید (۱۳۶۲). **سیری در اندیشه‌ی سیاسی عرب از حمله‌ی ناپلئون به مصر تا جنگ جهانی دوم**. تهران: امیرکبیر.
- ۱۳- فروغی، رحیم، طهماسبی، عظیم و سلیمانی، بلقیس (۱۳۹۳). «نقد و بررسی واحه‌ی غروب، کتاب ماه ادبیات»، ش ۸۶ (پیاپی ۲۰۰)، صص ۹۲-۹۱.
- ۱۴- کریستوا، ژولیا (۱۳۸۹). **فردیت اشتراکی**. ترجمه‌ی مهرداد پارسا. تهران: روزبهان.
- ۱۵- گلدمن، لوسین (۱۳۷۱). **جامعه‌شناسی ادبیات؛ دفاع از جامعه‌شناسی رمان**. ترجمه‌ی محمدجعفر پوینده. تهران: هوش و ابتکار.
- ۱۶- مکاریک، ایرنا ریما (۱۳۸۵). **دانشنامه‌ی نظریه‌های ادبی معاصر**. ترجمه‌ی مهراں مهاجر و محمد نبوی. تهران: آگه.
- ۱۷- نامور مطلق، بهمن (۱۳۸۶). «ترامنتیت مطالعه‌ی روابط یک متن با دیگر متن‌ها». پژوهشنامه‌ی علوم انسانی دانشگاه شهید بهشتی، ش ۵۶، صص ۹۸-۸۳.
- ۱۸- _____ (۱۳۸۸). «ارتباط متن‌ها بر اساس هم‌حضور: بینامتنیت نزد ژرار ژنت». مجموعه مقالات دومین و سومین هم‌اندیشی هنر تطبیقی. به کوشش منیژه کنگرانی. تهران: متن.
- ۱۹- نجفی، ابوالحسن (۱۳۸۹). **وظیفه‌ی ادبیات: مجموعه مقالات از آلن روب‌گری، ایلیا ارنبورگ، برنار پنگو، ژان پل سارتر تدوین و ترجمه**. تهران: نیلوفر.